

فصلنامه فرہنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی
سال نوزدهم زمستان، ۱۳۸۹



صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
مدیر مسئول: سیدعلی قاضی عسکر
زیر نظر: هیئت تحریریه

مدیر اجرایی و ویراستار: علی ورسه‌ای
صفحه‌آرایی و گرافیک: محمدرسولی فرد
حروفچینی: مرکز تحقیقات حج
لیتوگرافی و چاپ: مشعر

نشانی:

تهران - خیابان آزادی - نبش خوش - سازمان حج و زیارت
معاونت فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری

نشانی اینترنت: www.hajj.ir

نشانی پست الکترونیک: Miqat_haj@Gmail.com

قم - صندوق پستی: ۳۷۱۷۵۱۱۱۳

یادآوری:

مسئولیت آرا و نظریات به عهده نویسندگان آن است.
مِقات حج، در ویرایش مطالب آزاد است.
مقالات رسیده بازگردانده نخواهد شد.



اسرار و معارف حج

اسرار ماه ذی الحجہ / ۶
(در نگاه عارفانه میرزا جواد ملکی تبریزی)
حسن گیوه‌چی مفرد

فقه حج

نماز مسافر در مکان‌های چهارگانه (۲) / ۲۰
مهدی درگاهی

تاریخ و رجال

شیخ عبدالحسین فقیهی، نماینده آیت‌الله بروجردی در حرمین شریفین / ۴۸
رسول جعفریان

خاطرات

حج عاشقان / ۵۸
علی صدراپی خوبی و محمود کریمیان
سفرنامه مکه (حاج محمد تقی جورابچی) / ۷۲
ابوجعفر اصفهانی

از نگاهی دیگر

اضطراب در حج و راه‌های مقابله با آن / ۸۶
محمدحسین شریفی‌نیا

مروزی بر کارکردهای گوناگون مناسک حج / ۱۰۰
سیدرضا صالحی

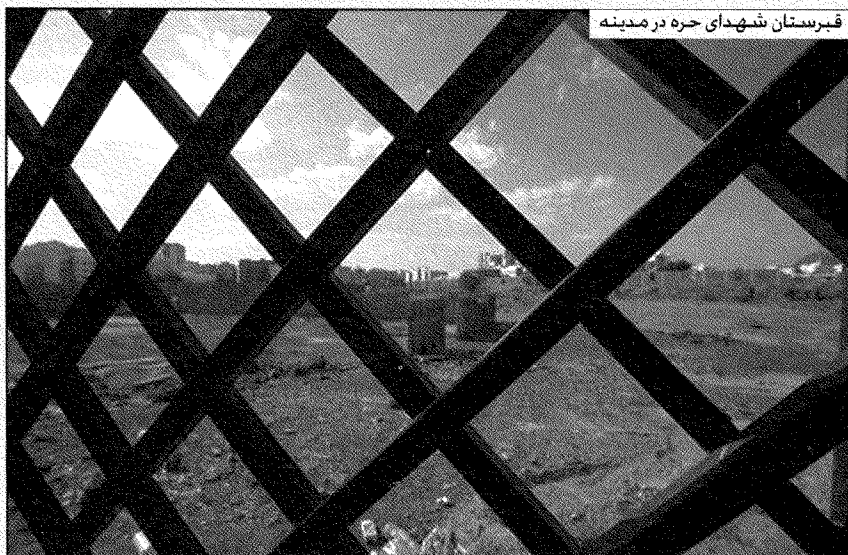
اسرار سیاسی حج / ۱۲۰

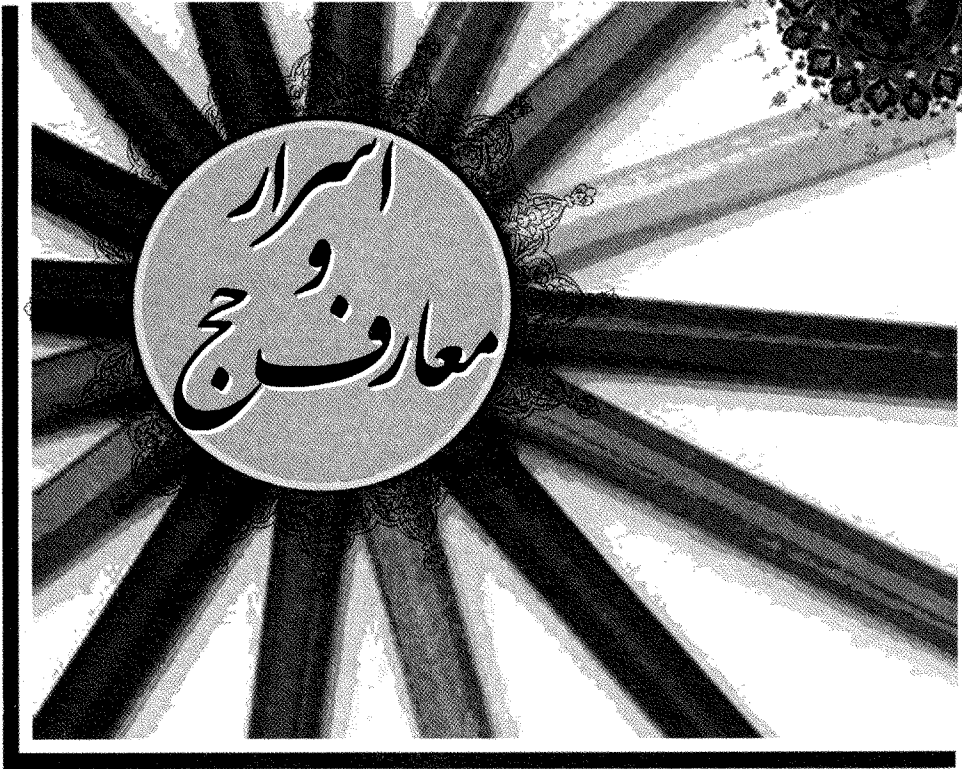
از منظر حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری - مد ظله العالی -
حمید نگارش

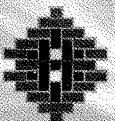
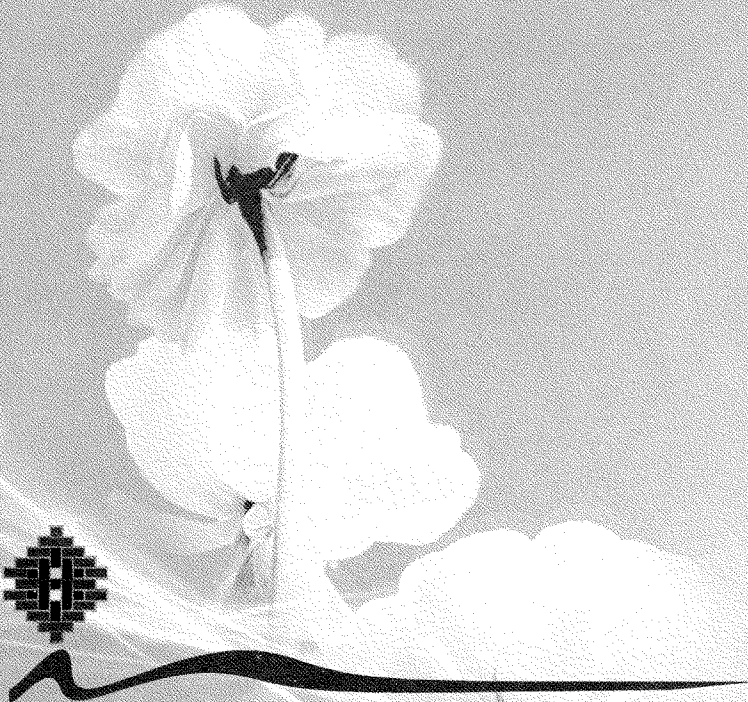
اخبار و گزارش‌ها

خبرهایی از حج، عربستان و... / ۱۶۲

تخریب قبرستان شهدای حره در مدینه به بهانه احداث خیابان







اسرار ماه ذی الحجّه

در نگاه عارفانه میرزا جواد ملکی تبریزی رحمته الله

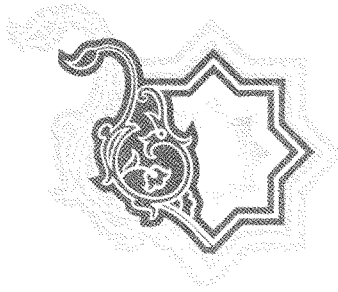
حسن گیوه‌چی مفرد

«قسمت اول»

چکیده

روزها و ایام، هر کدام به تناسب موضوعات خاص، مورد توجه مردم قرار گرفته و در نگاه دینی، برای آنها اعمال و آدابی ویژه بیان شده است. تا آنجا که عالمان بزرگوار دین در این باره تألیفاتی چند به رشته تحریر در آورده‌اند. کتاب المراقبات مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی نیز از این دست نوشته‌ها است که از نگاه عرفانی و سیر و سلوکی، مورد توجه خواص قرار گرفته است. در این نوشتار، ضمن پرداختن به اعمال ماه ذی حجّه، سعی شده است تا زوایای عرفانی ماه حج تبیین و اعمال و آداب آن تشریح گردد و زائر خائنه خدا با استفاده از آن، در راه سیر و سلوک عرفانی و اخلاقی گام بردارد.

میقات



مقدمه

توجه به روزها و ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها و نیز درک اوقات خاص و زمان‌های مخصوص به امور عبادی، همواره مورد توجه پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه معصوم علیهم‌السلام بوده است. آنان به تناسب زمان و مکان، نکاتی را بیان داشته و خود را مقید به عمل به آن‌ها می‌دانسته‌اند. پیامبرگرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیش از ورود به برخی از ماه‌ها، خطب‌هایی ایراد نموده و وظیفه الهی خویش را که بر دوشش نهاده شده بود ادا می‌کردند و البته خود نخستین عامل بدان‌ها بوده‌اند. آن حضرت هیچ لحظه و آنی را از بیان فضایل و اعمال مردم که راهی به سوی انسانیت و کرامت و شرافت انسانی بود دریغ نمی‌ورزیدند. در بیانات آن حضرت، بهترین لحظه‌ها، بهترین ساعت‌ها، بهترین روزها، بهترین ماه‌ها و حتی بهترین و پراهمیت‌ترین ایام عصر انسان‌ها بیان شده و یادآوری و غنیمت شمردن آن‌ها مورد تأکید قرار گرفته است، تا آنجا که آن حضرت و ائمه علیهم‌السلام در ۲۴ ساعت شبانه روز، لحظات و ساعتی را اختصاص به عبادت و راز و نیاز می‌دادند و کسی را نمی‌پذیرفتند و این غیر از ساعت‌های عبادت عمومی؛ مانند نماز و غیر آن بوده است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعَاهَا مَلَكٌ مُقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ»^۱.

المراقبات

همانگونه که اشاره شد، در طول تاریخ اسلام، عالمان عامل و عارفان سالک کتاب‌هایی را در زمینه اعمال سال و ماه‌ها و روزها تدوین و تألیف نموده، برخی مستندات دینی و اعتقادی آن‌ها را نیز بیان داشته‌اند.

کتاب‌هایی مانند «مصباح المتهجد» شیخ طوسی، «الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرّة فی السنه»، سیدبن طاووس، «مفتاح الفلاح» شیخ بهایی، «فلاح السائل و نجاح السائل فی عمل الیوم و اللیلة» سید بن طاووس، «مفاتیح الجنان» شیخ عباس قمی و مانند آن‌ها، از این دست به شمار می‌آیند.

در این میان کتاب ارجمند و گرانسنگ «المراقبات» یا «اعمال السنّه»، از عالم سالک الی الله، میرزا جواد آغا ملکی تبریزی نیز در میان عارفان و سالکان طریق هدایت خوب درخشیده و کلمات و جملات آن از نورانیتی خاص بهره برده، که کمتر کتابی به این خصلت متّصف شده است.

آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی دارای سه کتاب ارزشمند و ذی قیمت است که هر یک از آن‌ها بیانگر تسلّط این مرد بزرگ بر مبانی عرفانی و معنوی اسلام و توجه روحانی مؤلف ارجمند آن به مسائل سیر و سلوکی است و برای هر سالک و اهل دل آماده و مهیائی، سفره گسترده و پربرکت الهی است.

این سه کتاب عبارت‌اند از: «اسرار الصلاة»، «رساله لقاء الله» و «المراقبات».

کتاب حاضر، که بخش ماه ذی حجه آن، برای روحانیون محترم؛ به ویژه روحانیان کاروان‌ها و زائران بیت الله الحرام، گنجی عظیم و فیضی بزرگ است، دارای چاپ‌های متعدد می‌باشد؛ از جمله چاپ گاهی و اولیه، بدون تحقیقات فنی و علمی که در اصفهان از سوی مکتبه الشفیعی به چاپ رسیده و تاریخ و سایر خصوصیات کتاب‌شناختی آن روشن نیست. چاپ یاد شده دارای مقدمه کوتاه و ارزشمندی از علامه محمد حسین طباطبایی است، که اشاره به آن خالی از لطف نیست.

بعد از حمد و ثنای خداوند و درود بر پیامبر و خاندان پاکش می‌فرماید:

این تعلیقه چند سطری را بر این کتاب برای مدح این صحیفه جلیله و ثنای مؤلف عظیم آن ننوشته؛ زیرا این کتاب نیست بلکه دریایی ذی قیمت است که به وزن و کیل در نمی‌آید و مؤلف آن عالم فرازمندی است که به قدر

و اندازه نمی‌توان او را در آورد. در هر صورت غرض اینجانب از این سطور، توجه دادن برادران دینی از اهل ولایت و بزرگان از صدیقین و اهل صفا به آنچه از ذخایر در این کتاب آمده است، می‌باشد؛ زیرا توجه و یادآوری مؤمنان را نافع خواهد بود.^۲

سپس با توجه به بی‌ارزشی دنیا و ما فیها و تلاش بشریت برای رسیدن به حیات واقعی اخروی، وظیفه انسان را در عبودیت و تقرب به ذات کبریایی و ساحت مقدس اسماء حسنی و صفات علیای الهی می‌دانند و این همه را در راهیابی به مراقبت در شب و روز و ایام و ماه و سال‌ها و در نهایت قسم یاد می‌کنند به جان شریف خودشان که سیره همگان از سالکان و عارفان و پاکان در سابق این بوده است و این راه مطابق با راه پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحین است.

و کتاب مراقبت از نیکوترین کتبی است که در این تمام و جایگاه شایسته عمل به آن است؛ زیرا مطابق قلوب حیران در محبت خدا و ریاضت عبادالله می‌باشد.^۳

اسرار مراقبت ماه ذی حجه

پیش از شروع و ورود به اسرار معنوی ماه ذی حجه، مناسب است اشاره‌ای به نکته‌ای درباره ماه‌های حرام داشته باشیم؛ زیرا مرحوم میرزا جواد ملکی در ابتدای مراقبات ماه ذی‌قعدة، به مناسبت ورود به ماه‌های حرام می‌نویسند:

«این ماه (ذی حجه) اولین ماه از ماه‌های حرام است که جنگ و نبرد با کفار در آن حرام شده است و لکن عاقل بیدار باید تنبّه یابد از این حکم به حکم جنگ و مخالفت با خداوند - جلّ و علا - و بکوشد در خودنگهداری در این ماه بیشتر از ماه‌های دیگر و رعایت رضای الهی و اطاعت امر خداوند و راضی گشتن به گرفتاری‌ها و بلاهای دنیوی؛ زیرا این ماه حرام است و حرمت آن افضل بر سایر ماه‌هاست؛ چرا که خداوند از محاربه و نبرد با کفار منع کرده است.»^۴

مؤلف ارجمند برای ورود به هر کدام از ماه‌ها، روش ویژه‌ای را در پیش گرفته‌اند و به تناسب هر ماه و لزوم مراقبت از آن، به گونه‌ای آغاز کرده‌اند که تناسب را رعایت کرده باشند، که خود نشان‌دهنده توجه مرحوم ملکی به نکات خاص اهل مراقبت است و الاً به صورت طبیعی باید در آغاز هر ماه با روایتی شروع نمایند و با اعمال آن و توجه دادن به روزهای خاص، آن را به پایان ببرند.

در این فصل که فصل شانزدهم کتاب است و با عنوان «الفضل السادس عشر، فی أسرار مراقبات شهر ذی الحجه» آغاز گردیده، فرموده‌اند:

«برای درک درست و دقیق اوقات خاص این ماه، بر مراقب و سالک است که در استهلال این ماه اهتمام ورزد، بلکه حوائج خاص و مهمّش را برای اوقات دعا در این ماه یادآور شود و حتی دعای رؤیت هلال را بخواند و به دعایی که سیدبن طاووس انشا کرده و از مضامین عالی برای اهل ذکر برخوردار است، غفلت نورزد.

اما از مهم‌ترین کارهای اهل مراقبت در این ماه، شنناخت جایگاه بلند و شریف این ماه و مقامات بزرگ آن و فوائد فراوانی که بر آن بار شده است، می‌باشد.»

سپس برای بیان جایگاه و عظمت این ماه، نگاهی به جایگاه ماه مبارک رمضان دارند که در روایات وارد شده است: «روزها و شبها و ساعات آن افضل از همه ایام است.» و بعد می‌فرمایند: «گرچه این سخن درست است و لکن بعضی از ایام ماه ذی الحجه به مراتب افضل از ماه رمضان است.»

و ممکن است جمع روایات به این باشد که ماه رمضان ذاتاً افضل بر همه ماه‌هاست و لکن برای روز غدیر فضیلتی برتر است به جهت امر ولایت و تمامیت دین و نعمت در این روز مبارک. در هر صورت برای ماه ذی الحجه جایگاهی رفیع و بلند است که مراقبان و سالکان نباید غفلت ورزند و بدون توجه و با حالت غفلت در آن داخل شوند، که حرمت آن را ضایع خواهند کرد. ماه ذی الحجه منزلگاه نیکان و پاکان و جایگاه اهل قدس و نور است و هر

ماه ذی الحجه منزلگاه نیکان و پاکان و جایگاه اهل قدس و نور است و هر کس می‌خواهد در آن جایگاه حضور یابد، باید خود را شبیه آنان سازد و به اخلاق و صفات آنان تشبّه کند. آنان چگونه‌اند که سالک باید چنان کند؟ آنها نفوسی پاک و قلبی طاهر و مهذب و اخلاقی نیکو و اعمالی صالح دارند و اهل حلم، علم، تقوا، عرفان و حکمت هستند. آنان اهل روز و نماز شب‌باند. دائماً در حال ذکر و توکل و رضایت حق و در حال تسبیح و تقدیس ذات اله می‌باشند. آنان خدای را به بزرگی یاد می‌کنند و از موحدان و صادقان و خالصان‌اند.

کس می‌خواهد در آن جایگاه حضور یابد، باید خود را شبیه آنان سازد و به اخلاق و صفات آنان تشبّه کند. آنان چگونه‌اند که سالک باید چنان کند؟ آنها نفوسی پاک و قلبی طاهر و مهذب و اخلاقی نیکو و اعمالی صالح دارند و اهل حلم، علم، تقوا، عرفان و حکمت هستند. آنان اهل روز و نماز شب‌باند. دائماً در حال ذکر و توکل و رضایت حق و در حال تسبیح و تقدیس ذات اله می‌باشند. آنان خدای را به بزرگی یاد می‌کنند و از موحدان و صادقان و خالصان‌اند.^۵

مؤلف گرانقدر با توضیحات و بیان نورانی خود در باره اهل این ماه به همگان توصیه می‌کند که برای ورود به این ماه، خود را داخل در سالکان و مراقبان بنمایند و آنگاه می‌فرمایند:

«در هر صورت، از جمله مواقف مهم این ماه، دهه اول آن است که به «ایام معلومات» در قرآن یاد شده است؛ ﴿وَيَذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾.^۶

و یادآوری با غفلت نمی‌سازد، پس بیرهیز از مشغولیات قلبی و به ویژه از معصیت در این ماه و با تمام وجودت ذاکر باش، چرا که هر یک از عقل و روح و قلب و بدن دارای اذکار خاصی است.

ای سالک! در روایاتی که در فضیلت این ماه از نبی مکرم اسلام ﷺ وارد شده است تفکر کن زیرا حضرت فرمود:

«مَا مِنْ أَيَّامٍ أَزَكِّيَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَلَا أَعْظَمَ أَجْرًا مِنْ [فِي] خَيْرٍ مِنْ عَشْرِ الْأَضْحَى قِيلَ وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، قَالَ ﷺ وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ بِمَالِهِ وَبِنَفْسِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ»^۷.

«پاک‌ترین و پربارچ‌ترین روزها نزد خداوند، دههٔ اول ماه ذی حجه است. سؤال می‌شود آیا جهاد در راه خدا به پایهٔ آن می‌رسد؟ می‌فرمایند: خیر مگر این‌که شخصی به جان و مالش خارج شود و دیگر برنگردد.»

و در روایت دیگر فرمود:

«مَا مِنْ أَيَّامِ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فِيهَا أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - مِنْ أَيَّامِ الْعَشْرِ؛ يَعْنِي عَشْرَ ذِي الْحِجَّةِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، قَالَ وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ، فَلَمْ يَرْجِعْ...»^۸.

«عمل صالح در هیچ روزگاری نزد خداوند محبوب‌تر از عمل صالح در این دهه نیست. سؤال می‌شود: حتی جهاد در راه خدا؟ می‌فرمایند: خیر مگر شخصی که به جان و مالش خارج شود و دیگر برنگردد.»

اکنون ببین ای بندهٔ خدا و نظر کن در این روایات، به ویژه در روایت دوم و عظیم بشمار آنچه را خداوند عظیم دانسته است و با کمال نشاط و شوق وارد در این میدان شو و به دعا و توسل روی آور به خصوص در شب اول ماه ذی الحجه و با تضرع به درگاه الهی و باب کرم او ائمهٔ معصوم علیهم‌السلام درخواست نما دخول در حزب آنسان را و دعا و حمایت و ولایت و شفاعت و شیعیه بودن ایشان را.^۹

مرحوم میرزا جواد ملکی براساس روش مخصوصی که دارند، آداب و احکام هر روز و ماه را با بیان روایات و توضیحات معنوی و عرفانی بیان می‌کنند. از این رو، برای تشویق خواننده و همت و تلاش و ترغیب او به انجام اعمال هر روز، بعد از بیان فضیلت و عظمت ماه ذی الحجه، به بیان نماز دههٔ اول این ماه می‌پردازند که میان نماز مغرب و عشا خوانده

می‌شود و با بیان دستورالعمل خواندن آن و آوردن آیه ﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...﴾^{۱۱} می‌فرمایند: خود را با حاجیان شریک گردان. هنگامی که آیه را تلاوت می‌کنی، به یاد آور که این وعده چیست؟ و بر شوق لقا و دیدار حق بیفزا و از خسران کنندگان مباش؛ ﴿...الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ إِلَّا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾^{۱۱}

و نیز سفارش می‌کنند: در حدیث نبی که در وصف اشتیاق فراوان موسی بیان داشته‌اند، تفکر کن؛ زیرا حضرت فرمودند: حضرت موسای کلیم از شوق لقا و دیدار الهی، نه به غذا تمایلی داشت و نه به آشامیدنی و نه به خواب و استراحت تا چهل روز به سر آمد و به دیدار رسید.^{۱۲}

دستورالعمل دیگری که برای ورود به ماه ذی الحجه بیان می‌کنند، روزه اول این ماه است؛ زیرا در روایت دارد: «مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ تَمَانِينَ شَهْرًا»^{۱۳}.

و این روزی است که حضرت ابراهیم به دنیا آمد و خداوند او را به عنوان خلیل برگزید و نیز روزی است که پیامبر سوره براءت را توسط حضرت امیر ابلاغ کرد.^{۱۴} از اعمال دیگر این ماه استحباب نماز فاطمه زهرا علیها السلام است که مؤلف کتاب «المراقبات» آن را به تفصیل آورده و آداب و دعای آن را بیان می‌کند.

دستور دیگر در این ماه، خواندن دعای مخصوصی است که با «اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَلْتَهَا عَلَيَّ غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ» آغاز می‌شود و بعد از نماز صبح و مغرب وارد شده است. شیخ مفید رحمته الله دستورالعمل دیگری را بیان کرده که در نظر مرحوم ملکی بسیار با اهمیت آمده و فرموده است: از مهمترین چیزهایی که در این دهه اول سزاوار توجه است، روایت شیخ مفید است که از قول ابو جعفر علیه السلام نقل می‌کند و آن خواندن صلوات مخصوصی است که خداوند به عیسی بن مریم اهدا کرد و به او فرمان داد که در این ایام تلاوت کن؛ زیرا نزد خداوند هیچ عبادتی محبوب‌تر از آن در این دهه نیست و سپس صلوات را ذکر می‌کند. سپس حواریون حضرت عیسی علیه السلام از ایشان می‌پرسند: ثواب این کلمات چیست؟ حضرت عیسی به تفصیل ثواب هر یک از آن صلوات پنجگانه را بیان می‌دارند.^{۱۵}

از مطالب منحصر به فرد کتاب شریف «المراقبات»، بیان‌های آتشین عرفانی و سلوکی مرحوم مؤلف ارجمند آن است که بر عظمت این کتاب افزوده است. ایشان بعد از بیان حدیث فوق، با کلمه «أقول» نکاتی بیان می‌دارند که قابل توجه و تأمل فراوان است:

«قسم به جانم که این ثواب‌ها برای مجرد خواندن نیست بلکه شروطی دارد؛ از آن جمله بیان امام رضا علیه السلام در راه طوس است که دربارهٔ قرائت «لا اله الا الله» فرمود: «بشرطها و شروطها و أنا من شروطها» و سپس می‌فرماید: قطعاً یکی از شرایط آن معتقد بودن به آنچه می‌گوید است و در ادامه با تفصیلی تمام و کمال به معنای «إله» معنای شهادت حضور و اثرات آن می‌پردازند و به فزع و معنای آن و به ملک مطلق بودن خداوند و تمام خیر و نعمت و فضیلت بودن ذات لایزال الهی اشاره می‌کنند و به این نکته که این اعتقاد در تأییراتی در اعمال و زندگی انسان خواهد داشت.

ایشان اعتقاد به پادشاهی مطلق خداوند را، به توجه کامل در همهٔ امور دانسته و براین باور است که:

«اعتقاد به حول و قوهٔ الهی به ترس از او است و لا غیر و این‌که هیچ نفع و ضرری در این عالم نیست و مردم همچون جامدات در مقابل امر و حول و قوهٔ الهی می‌باشند و انسان‌های معتقد به این امور، انسان‌های مستقل از دیگران و متوجه به ذات اقدس اله هستند که مجبور نیستند در حوائج دنیا و مقامات دنیاوی تملق دیگران را بگویند و در راه کسب جاه و مال مخالفت او امر الهی را بنمایند و از نداری آن‌ها محزون شوند؛ زیرا یک چنین انسان‌هایی، گرچه کلمات شهادت را می‌گویند و لکن در درون اعتقاد ندارند و از منافقان محسوب می‌شوند...

اما انسان‌هایی که خیر را در دنیا و سعادت در آن را در دست اغنیا می‌دانند و برای رسیدن به دنیا تملق اغنیا و ملوک را می‌کنند و در این راه مخالفت با او امر الهی و رسیدن به جاه و مال را اصل می‌دانند و به نداشتن محزون و به داشتن شادمان می‌گردند و در شداید و سختی به سوی غیر خدا پناه می‌برند و به وعده‌های الهی اطمینان ندارند و تنها به غیر او امید بسته‌اند، اینان همچون منافقان در بیان شهادتین می‌باشند و خداوند می‌داند که دروغ می‌گویند.»^{۱۶}

به عزّت و جلال و بزرگواری و رفعتم، بر عرشم سوگند که آرزوی هر کس را که به غیر من امید بندد، به نومیدی قطع می‌کنم و نزد مردم بر او جامهٔ خواری می‌پوشم و او را از تقرّب خود می‌رانم و از فضلم دور می‌کنم. او در گرفتاری‌ها به غیر من آرزو می‌بندد، در صورتی که گرفتاری‌ها به دست من است؟! و به غیر من امیدوار می‌شود و در فکر خود در خانه جز مرا می‌گوید؟! با آن که کلیدهای همهٔ درهای بسته نزد من است و در خانهٔ من برای کسی که مرا بخواند باز است.

سالک الی الله مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی سخنان خود را به روایتی از کتاب شریف کافی که در آن حدیث قدسی از قول امام صادق علیه السلام آمده، مستند می‌سازد:

«حسین بن علوان گوید: در مجلسی نشسته بودیم که دانش می‌آموختیم و هزینهٔ سفر من تمام شده بود، یکی از رفقا به من گفت: برای این گرفتاری‌ات به که امیدواری؟ گفتم: به فلانی. گفت: پس به خدا که حاجت برآورده نشود و به آرزویت نرسی و مرادت حاصل نشود. گفتم: تو از کجا دانستی خدایت رحمت کناد؟!»

گفت: امام صادق علیه السلام به من حدیث فرمود که: در یکی از کتاب‌ها خوانده است که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: به عزّت و جلال و بزرگواری و رفعتم، بر عرشم سوگند که آرزوی هر کس را که به غیر من امید بندد، به نومیدی قطع می‌کنم و نزد مردم بر او جامهٔ خواری می‌پوشم و او را از تقرّب خود می‌رانم و از فضلم دور می‌کنم. او در گرفتاری‌ها به غیر من آرزو می‌بندد، در صورتی که گرفتاری‌ها به دست من است؟! و به غیر من امیدوار می‌شود و در فکر خود در خانه جز مرا می‌گوید؟! با آن که کلیدهای همهٔ درهای بسته نزد من است و در خانهٔ من برای کسی که مرا بخواند باز است.

کیست که در گرفتاری‌هایش به من امید بسته و من امیدش را قطع کرده باشم؟ کیست که در کارهای بزرگش به من امیدوار گشته و من امیدش را از خود بریده باشم. من آرزوهای بندگانم را نزد خود محفوظ داشته

و آن‌ها به حفظ و نگهداری من راضی نگشتند و آسمان‌هایم را از کسانی که از تسبیح خسته نشوند (فرشتگان) پر کردم و به آن‌ها دستور دادم که درهای میان من و بندگانم را نبندند، ولی آن‌ها به قول من اعتماد نکردند، مگر آن بنده نمی‌داند که چون حادثه‌ای از حوادث من او را بکوبد، کسی جز به اذن من آن را از او بر ندارد. پس چرا از من روی گردان است. من با جود و بخشش خود آنچه را از من نخواست به او می‌دهم سپس آن را از او می‌گیرم و او برگشتش را از من نمی‌خواهد و از غیر من می‌خواهد؟ او درباره من فکر می‌کند که ابتدا و پیش از خواستن او عطا می‌کنم، ولی چون از من بخواهد به سائل خود جواب نمی‌گویم؟ مگر من بخلم که بنده‌ام مرا بخیل می‌داند؟ مگر هر جود و کرمی از من نیست؟ مگر عفو و رحمت دست من نیست؟

مگر من محل آرزوها نیستم؟ پس که می‌تواند آرزوها را پیش از رسیدن به من قطع کند [که می‌تواند آرزوها را جز من قطع کند]، آیا آن‌ها که به غیر من امید دارند نمی‌ترسند؟ (از عذابیم یا از بریدن آرزویشان یا از مقام قریب یا از قطع نعمت‌هایم از آن‌ها)، اگر همه اهل آسمان‌ها و زمین به من امید بندند و به هریک از آن‌ها به اندازه امیدواری همه دهم، به قدر عضو مورچه‌ای از ملکم کاسته نشود، چگونه کاسته شود از ملکی که من سرپرست او هستم؟ پس بدا بحال آن‌ها که از رحتم نومیدند و بدا به حال آن‌ها که نافرمانی‌ام کنند و از من پروا نکنند.»^{۱۷}

مؤلف ارجمند کتاب «المراقبات»، هر جا که در بیان احادیث و یا آیات قرآن به شگفتی و عظمت نگاه می‌کند، خطاب او به خواننده بسیار قابل تأمل و توجه است. در اینجا نیز می‌گوید:

«أُنظِرْ يَا أَيُّهَا الْمُسْكِينُ... بنگر ای نیازمند در وعده و وعیدهای این حدیث و عظمت استدلال‌ها و مطالب آن، که از آسمان‌های هفتگانه و از عرش عظیم الهی، عظیم‌تر و برتر است و نفست را مورد خطاب قرار بده و از غفلت سؤال کن، آیا می‌توانی ذره‌ای از آنچه در این حدیث بیان شده از قدرت و سلطنت و ملک الهی منکر شوی؟ و از این‌که شداید و کلید ابواب رحمت همه در دست اوست و درهای رحمت برای دعا کننده باز است.»

سپس به تأکيدات خود در این زمينه، ادامه می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که:

«هر کس یقین داشته باشد به قدرت و کرم و عنایت شخصی، حتماً در برابر او خاضع می‌شود و تمام مخالفت‌های ما با خداوند به جهت ضعف ایمان و یقین است.»

و آن کس که مخالفت اوامر و نواهی الهی را می‌کند، امیدی به خدا ندارد و آن که امید ندارد در شهادتش به این که پناهی جز او ندارم صادق نیست ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^{۱۸} و خواهد گفت: لَا مُؤْتَرِّ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ»^{۱۹}

در خاتمه این بخش از اذکار ماه ذی الحجّه؛ یعنی خواندن دعوات پنجگانه می‌فرماید: «آنچه گفته شد در بیان قصد صادقانه در قرائت این کلمات بود و جهت دیگری که بسیار مهم است، قرائت آنها با حضور قلب است و هر کس با قلب بی‌توجه قرائت کند داخل در این روایت نمی‌شود. بنابراین، اگر کسی نمی‌تواند با توجه قلبی بخواند، از آن اثرات محروم می‌شود و لکن نباید آنها را ترک کند بلکه به قصد امیدواران بخواند و ناامید از کرم الهی نباشد؛ زیرا خداوند به اندازه توجه و قصد او، به او تفضّل خواهد کرد.»^{۲۰}

دستورالعمل دیگری در بیان مؤلف آمده و آن مختص به همین ده روز اول است و آن خواندن تهلیل‌های دهگانه است که در روایات برای آنها ثواب‌ها و تأثیرهای فراوانی بیان شده است.

دستور دیگری که بر آن تأکید شده روزه این ایام به ویژه روزه اول ماه ذی الحجّه است؛ زیرا در روایت آمده که روزه آن ثواب ۸۰ ماه را دارد و روزه روز نهم (روز عرفه) ثواب روزه تمام دهه و روزه روز ترویه (عید قربان) کفاره ۶۰ سال.

مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی پس از این مباحث، وارد بحث عظمت شب و روز عرفه می‌شود و به بیان جایگاه و خصوصیات آن و نیز سالکانی می‌پردازد که آن را عظیم می‌شمارند. با یاری خداوند به آن خواهیم پرداخت.

بی نوشتہا:

۱. علامہ مجلسی، الاربعین، ص ۱۷۷، ح ۱۵؛ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۶۰
۲. المراقبات، ص ب.
۳. همان، ص ب ج.
۴. المراقبات، ص ۱۸۷، چاپ سنگی، اصفهان: مکتبہ الشفیعی.
۵. همان، صص ۲۱۷ و ۲۱۸
۶. حج: ۲۸
۷. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۵
۸. همان، ص ۳۴
۹. المراقبات، ص ۲۱۹
۱۰. بقرہ: ۵۱
۱۱. انعام: ۳۱

۱۲. قال (ص): «ما أكل وما شرب ولا نام ولا انتهى شيئاً من ذلك في ذهابه ومجيئه أربعين يوماً شوقاً إلى ربّه». (مصباح الشریعہ، صص ۱۹۶ و ۱۹۷)
۱۳. من لایحضره الفقیہ، ج ۲، ص ۸۷، ح ۱۸۰۶
۱۴. المراقبات، ص ۲۲۰
۱۵. همان، صص ۲۳۲ - ۲۲۱
۱۶. همان، صص ۲۲۲ و ۲۲۳
۱۷. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۶، ح ۷، ترجمہ از مرحوم مصطفوی؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۰، ح ۷
۱۸. طلاق: ۳
۱۹. المراقبات، صص ۲۲۴ و ۲۲۵
۲۰. همان، ص ۲۲۶